

چالش های نفس گیر مذاکرات هسته ای و چشم انداز آن!

تقی روزه



نقش بحران اقتصادی در آن چه که دولت ایران را به تداوم مذاکره و حصول توافق نسبی ترغیب می کند، بیش از سایر عوامل است و کلید آن نیز گشایش دیپلماتیک است. در سوی غرب و نیاز دولت آمریکا و اوباما، سوای عوامل دیگر، بطور خاص بحران دامن گسترخاورمیانه و در رأس آن جنگ داخلی سوریه و پی آمدهایش در منطقه و عروج تروریسم و القاعده و یا طالبان و پاکستان و افغانستان و...

بالآخره ماراتن مذاکرات دور دوم در سطح وزرای خارجه کشورهای ۱+۵، حتی در وقت اضافی هم نتوانست به توافقی حول پیش نویسی که رأی زنی های اولیه حول آن صورت گرفته بود و انتظارش می رفت، و بعضا از آن به عنوان گفتگو و معامله قرن هم نام برده می شد، منجر شود. گرچه هنوز زود است که از شکست مذاکرات سخن گفته شود، و هیچ مذاکره کننده ای هم در شرایط کنونی تمایل ندارد که آن را شکست خورده بداند و گزینه دیپلماسی را در فقدان بدیل حاضر و آماده، با بن بست مواجه کند اما تردیدی نیست که ماشین گفتگو به درون یکی از دست اندازهای پیشروی خود افتاده است.

در طی این مهلت ده روزه ای که برای نشست دوم مقرر شد، قرار است چه چیزی تغییر کند؟ چه کسی جلوبرود و چه کسی به عقب؟ آیا دشواری در این فاصله کمتری شود، یا بیشتر؟

بی تردید جنگ روانی و رجزخوانی از سوی طرفین، بخصوص ایران و البته اسرائیل که غائب و حاضر این نشست بوده و کوچکترین تحولات آن را زیر ذره بین گذاشته است بیشتر می شود. در ایران حسن روحانی بلافاصله فرصت حضور در اجلاس رأی اعتماد مجلس اسلامی را برای هشدار دادن به قدرت های جهانی و این که ایران ذره ای از خطوط قرمز خود عقب نخواهد نشست و با تحقیر و تهدید و تبعیض و تحریم نمی توان آن را به زانو درآورد، مغتنم شمرد. در نقش کارشکنی دولت اسرائیل به عنوان یکی مخالفان سرسخت توافق و نزدیک ترین متحد استراتژیک دولت آمریکا، که بشدت از احتمال حصول توافق برآشفته و خشمگین بود، همین بس که دایما توسط جان کری در جریان مذاکرات

قرارداشت و به آن اطمینان خاطر داده میشد که از نظر آمریکا، هم چنان قرارداد ن بستن بهتر از یک قرارداد بداست و او هیچ گاه متحدان خود را تنها نمی گذارد. مهمتر از آن مخالفان دولت او باما و حامیان پروپاقرص اسرائیل در داخل آمریکا هستند که آن ها نیز نقش خود را بازی می کنند و بالآخره در خود نشست مشترک این نماینده دولت فرانسه بود که همسوبا اسرائیل و مخالفان داخل آمریکا سردمداری مخالفت از درون را برافراشت، تا جایی که مک کین با شعارزنده باد فرانسه، از نقش این کشور در ممانعت از یک قرارداد بد، به ستایش پرداخت!

البته معرکه این مخالفت ها و برخا مخالف نمائی ها، در داخل خود ایران بیشتر از همه جا داغ است. بالماسکه ۱۳ آبان و جنگ و جدالی که حول شعارمعرکه آمریکا ستیزی و نصب و چیدن بیلبوردهای مرگ آمریکا در شهرتهران و کشور بوجود آمد نه فقط بخشی از یک کمپین سازمان یافته توسط حاکمیت و جنگ روانی گسترده ای بود که رژیم برای پوشاندن ضعف خود و ایجاد باصطلاح موازنه قوا در نبرد "نرمش قهرمانانه" با دشمن برپا کرد، بلکه درعین حال بخشا نیز ناشی از نبرد قدرتی بود که بین جناح های رژیم جریان داشته و دارد.

در مورد مذاکرات هسته ای می توان گفت بستری است با رؤیاهای متفاوت که در آن توافق روی واژه های کلی قادر نیست که جایگزین اقدامات واقعی از هردوسو شود. هم پوشانی واژگانی چون برسمیت شناختن حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، یا ابداع فرمول هائی چون جلوگیری از تداوم و پیشرفت برنامه هسته ای ایران درحوزه های مختلف به عنوان گام نخست، استراتژی حرکت گام به گام و متقابل، فرمول اخیرا بداع شده آمریکا مبنی بر کاهش جزئی تحریم ها و برگشت پذیر بودن آنها، همه و همه گرچه در زمره تلاش های تسهیل کننده برای گشودن کلاف سر درگم بحران هسته ای بشمارمی روند، اما همانطورکه غالبا پیرامون این پرونده گفته می شود، در اینجا نه کلیات بلکه جزئیات اند که مهم هستند. نه لفاظی ها و پروتکل های کلی که گام های عملی واجداهمیت هستند.

در پشت خوش و بش ها و لفاظی های دیپلماتیک و واکنش های مقطعی، اگر نگاهی به کنه چالش ها و ریشه های بحران نداشته باشیم، قادر نخواهیم برد که برداشت واقع بینانه ای از زیروم این روند ها و چشم انداز آن داشته باشیم. بی تردید اهداف متضاد، و عدم توازن قوا بین دوطرف را باید از موانع عمده در دست یابی به یک توافق کلی مبتنی بر سیاست موسوم به بردبرد دانست. آن چه که بنام بی اعتمادی

و برداشتن گام های اعتماد برانگیز از سوی دولت ایران نامیده می شود، بیان دیگری است از این واقعیت. از همین رومعضل را نمی توان صرفاً با بکارگیری فن و فنون مذاکره و یا تلاش برای رفع سوء تفاهم و یا حتی کارشکنی این یا آن دولت (فرانسه) تقلیل داد. مسأله اصلی آن است که در سوی ۱+۵، بلوک غربی آن، ایران و دولت آن به عنوان یک کشور اگر نه دشمن، دستکم مزاحم طبقه بندی می شود و هدف خلع سلاح هسته ای آن- ولو به شکل محترمانه- برای از بین بردن توانائی دست یابی به سلاح هسته ای و از جمله امکان غنی سازی اورانیوم و تأمین نظارات دائمی در مدنظر است. از این منظر با کشور و دولت ایران هم چون مزاحم و یا دشمنی تحت محاصره برخورد می شود. در سوی مقابل هم دولت ایران در پی نه حذف توانائی ها و امکانات موجود خود بلکه حفظ و قرارداد این توانائی های بقول خودش از بین نرفتنی، در چهارچوب مقررات آژانس بین المللی به عنوان حق قانونی اعضای آژانس در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و اعتمادسازی حول آن است (اما روشن است که در نزد قدرت ها، منشأ بی اعتمادی نفس خودرژیم و سیاست های آن است، و رفع آن نیز اگر بدلائلی در سرنگونی نباشد، فشار برای تبدیل آن به کشوردوست و دستکم بی خطر با شاخص های شناخته شده است). در مورد توازن قوا هم علیرغم شعارهای دهان پرکنی چون سیاست بردبرد و احتراز از بازی صفرصفر، اما در واقعیت امر این مذاکرات نه در شرایط برابر که تحت فشار اهرم تحریم های گسترده و اختلال جدی در جریان حیاتی اقتصادی و مراودات بانکی ایران صورت گرفته است و دولتهای غربی حاضر نیستند که این اهرم را بسادگی و در ازاء دست آوردهای کوچک و عقب نشینی های جزئی و دادن برخی وعده و وعیدها کنار بگذارند و باصطلاح ساختار نظام تحریم ها را درهم یشکنند. با جنگ روانی و معرکه شعارمرگ برآمریکا و بلوف هائی چون فرصت محدود و ناپایدار و نظایر آن هم نمی توان صورت خود را سرخ نگهداشت و بطور مصنوعی توازن قوا را برقرار کرد. بهمین دلیل قدرت های بزرگ خواهان گرفتن امتیازات بیشتری از ایران در همان گام های اول هستند و همه این کشاکش ها در اصل در راستای سیاست خلع سلاح "داوطلبانه" هسته ای هستند. گرچه طبق آنچه که جسته و گریخته از مذاکرات پشت پرده درز پیدا کرده، دولت ایران پیشنهاد تعلیق موقت فعالیت های هسته ای و از جمله غنی سازی ۲۰ درصدی را- ظاهراً برای شش ماه- پذیرفته است، اما در ازاء آن نه فقط خواهان گام های متقابل بیشتری در میزان حذف تحریم هاست بلکه خواهان آن است که در چهارچوب حرکت گام به گام، حق غنی سازی و رفع کامل تحریم ها در سند مشترک گنجانده شود. امری که با مخالفت صریح دولت فرانسه و می توان گفت همراهی ضمنی برخی دولت ها در میز مذاکره مواجه شده است.

البته دولت فرانسه از مدتها پیش در سیاست خارجی خود همان سیاست دولت بوش و نئوکانها را درپیش گرفته و این سیاست را در مناطق تحت نفوذ خود در آفریقا و یا در لیبی هم بکارگرفته است و در مورد سوریه هم خواهان تسلیح گسترده اپوزیسیون و حمله نظامی بود و با عقب نشینی انگلیس و اوباما حسرت حمله هم بدلش ماند، و در حوزه اقتصادی هم البته خواهان سهم بیشتری در بازار منطقه (عربستان و عراق...) هست (نباید فراموش کنیم که دولت فرانسه در گذشته حتی تأسیسات هسته ای ایران را تهدید به بمباران هسته ای هم کرده است!). در واقع فرانسه امروز تناقض بارزی است از دوگانه دولتی باصطلاح سوسیال دموکرات با سیاست خارجی نئوکانی!)، اما نباید فراموش کرد که این "وتوی" فرانسه برای ممانعت از توافق و در خواست امتیازات بیشتر ایران، بر زمینه ای صورت می گیرد که بقیه دولت ها هم بدرجاتی در آن سهم اند.

بهمین دلیل آن ها در اتاق خلوت خود- بدون حضور طریف- تصمیم گرفتند که اولاً با احتراز از امضای فوری پیمان نامه به رأی زنی و مشورت بیشتری با همدیگر و مخالفان داخلی خود و متقاعد کردن سایر متحدین مخالف این قرارداد و البته هم چنین با در نظر گرفتن نتیجه دیدار رئیس آژانس هسته ای از ایران، امضاء معاهده مشترک را به تعویق بیا نوازند. ثانیاً این موافقتنامه را طوری تنظیم و تدقیق کنند که ضمن هموار ساختن گام های اولیه و تاکتیکی برای یگ گام به جلو حول توافق های به عمل آمده و براساس توقف پیشروی برنامه های موجود و نظارت بر آن، اما تا آنجا که ممکن است این توافق مغایر با برنامه حداکثری خلع سلاح هسته ای نشود و تا زمانی که لازم است اهرم های اصلی فشار را حفظ شود. آن چه که لوران فابیوس و جان کری در پی مذاکرات پیرامون عجله نکردن، محتاطانه حرکت کردن و تدقیق ادبیات و فرمول ها به زبان آورده اند نشان دهنده همین واقعیت ها دارد*.

این نکته را هم باید اضافه کرد گرچه رعایت ملاحظات تاکتیکی - تمرکز روی مسأله بحران هسته ای سبب شده است که فعلاً تا اطلاع ثانوی بقیه موضوعات چالش برانگیزی چون رابطه ایران با آمریکا، بحران سوریه و منطقه و از جمله حزب اله و بحران فلسطین و اسرائیل و یا نقض خشن حقوق بشر و سرکوب های داخلی ایران... منجمدگشته و روی میزمذاکره گذاشته نشود، اما واقعیت آن است که نمی توان آنها را به عنوان پس زمینه های صحنه و دخیل در اتخاذ رویکردهای هر طرف نادیده گرفت. بهمین دلیل طومار باز نشده ای از خواست و توقعات نانوشته از دولت ایران و سیاست های راهبردی آن وجود دارد که

تمکین به نظم و مقررات مورد نظراین قدرت ها در منطقه و جهان از اهم آنهاست. بدلیل همین پیوستگی موضوعات چالش برانگیز با یکدیگر، چشم انداز توافق کلی در افق کنونی نامحتمل بوده و درمورد مساله مشخصی چون بحران هسته ای نیز امکان دست یابی سریع به یک توافق واقعی و بدون چالش نیز ضعیف است.

اما این به معنای آن نیست که امکان برداشتن گام هائی درجهت کاستن از دامنه بحران نیز ناممکن باشد. عوامل و شرایطی در هردو سو عمل می کنند که نیاز و اشتیاق نسبی به همکاری و کاهش بحران هسته ای و منطقه ای را بشیوه مسالمت آمیز تقویت و لاجرم اجتناب از اعلام شکست مذاکرات را تقویت می کند؛ قبل از هرچیز درسیاست مبتنی بر رقابت و تنازع قدرت ها، انداختن باصطلاح زنگوله به گردن حریف تحت فشار قرار گرفته و تحمیل گام های عملی و مشخص در شرایطی که درهم شکستن کلی آن بهر دلیل در دستور کار نباشد مهم است. گام هائی که به نوبه خود نحوه برداشتن گام های بعدی و مسیر تصمیم گیری ها بعدی را روشن تر خواهد کرد. پیمان نامه ای هم اگر مورد توافق قرار گیرد، چنان کلی تا آنجا که به وعده ها مربوط شود چنان کلی و چند پهلو خواهد بود که از یکسو جلوی این گام های مشخص را نگیرد و از سوی دیگر دست و پای قدرت های بزرگ را در برداشتن گام های بعدی و یا استفاده از اهرم فشار نبندد.

نقش بحران اقتصادی در آن چه که دولت ایران را به تداوم مذاکره و حصول توافق نسبی ترغیب می کند، بیش از سایر عوامل است و کلید آن نیز گشایش دیپلماتیک است. در سوی غرب و نیاز دولت آمریکا و او با ما، سوای عوامل دیگر، بطور اخص بحران دامن گستر خاور میانه و در رأس آن جنگ داخلی سوریه و پی آمدهایش در منطقه و عروج تروریسم و القاعده و یا طالبان نیسم در پاکستان و افغانستان و... در شرایطی که اهرم های نظامی شکست خورده و یا پاسخ نداده است، ایجاب می کند که از اهرم دیپلماسی به جای توسل به اهرم نظامی بهره برداری فعال تری بشود. تجربه خلع سلاح شیمیائی سوریه و از جمله همکاری ایران در این زمینه، و قبل از آن و مهم تر از آن تحولات داخلی ایران که به انتخاب روحانی منجر شد، با توجه به چراغ سبزهائی که دولت ایران در مهار بحران سوریه و تروریسم می زند - دودلیل مهم برای تقویت گزینه دیپلماسی در کل سیاست خارجی دولت آمریکا و سایر متحدینش - بجز فرانسه - گشته است. گرچه پیچیدگی ها و تناقضات ساخت قدرت و به تبع آن سیاست های حاکم بر ایران با نوعی عدم قطعیت همراه است، با این همه دولت های بزرگ بی میل نیستند که با اتخاذ سیاست های

مصالحه جویانه تری که در جهت تقویت اصلاح طلبان و اعتدال گراها درمقابل تندروها و باندهای نظامی- امنیتی باشد- بخصوص با در نظرگرفتن تجربه برخورد منفی با فرصت های بدست آمده در دوره خاتمی- البته بشیوه ای محتاطانه و گام به گام- درصدد استفاده از فرصت های موجود و تنظیم گام های بعدی برآن اساس هستند. از همین رو قویا در پی ممانعت از شکست مذاکرات هستند. البته هیچ عامل تضمین کننده ای برای دست یابی به توافقی پایدار وجود ندارد.

بطورخلاصه می توان گفت که تاکتیک توقف پیشروی هسته ای ایران و نظارت برآن، در درون خود حاوی رویکردهای متفاوت و متضادی است: از یکسو مخالفان داخلی اوباما فرانسه و اسرائیل آن را برسمیت شناختن توان هسته ای رژیم ایران می دانند. رژیم اسلامی نیز با شرط تضمین حق غنی سازی و تعهدبه لغوتحریم ها در راستای حرکت گام به گام با آن موافق بوده است، سیاست آمریکا و انگلیس و تاحدی آلمان نیزاساسا در میانه این دو و براساس حرکت گام بگام و حفظ اهرم های فشاربوده است. بنظرمی رسد در نهایت فشارسنگین اسرائیل و حامیانش از بیرون که چرا این همه عجله برای توافق! و فرانسه از درون، نهائی شدن پیش نویس روی میز را به محاق برده است. وجودرؤیاهای متفاوت، نگاه تاکتیکی و پراگماتیستی به کل معضل، در کنارنگاه حداکثری به خلع سلاح هسته ایران و کارشکنی گرایش های مخالف، امکان توافق براساس فرمول توقف پیشروی هسته ای را -که حتی با تعلیق موقت غنی سازی شش ماهه نیزهمراه بوده است- شکننده کرده و با چالش مهمی مواجه ساخته است. شاید تداوم مذاکره و حفظ امید برای دست یابی به توافق های آتی را بتوان مهمترین دست آورد و پیام مذاکرات ژنو ۲ بشمارآورد. در کشاکش رویکردها، فعلا سیاست نباید عجله کرد و محتاط بود تفوق پیدا کرده است. بنظرمی رسد که در لحظه نود تصمیمات تازه ای در اتاق خلوت اتخاذشده است که باید منتظردرز ونشت آن ها بود. و پاسخ این سؤال که مشمول مرورزمان کردن به سود چه رویکردی تمام خواهد شد را باید به سیرتحولات و عوامل پیچیده ای گذاشت که به مرور روشنی بیشتری پیداخواهد کرد.

در پایان این نوشته ناگفته نماند که بحران هسته ای جنبه های گوناگونی دارد که پرداختن به آن ها خارج از هدف و حوصله این نوشته است. چنان که شکسته شدن تابوی مذاکره با "شیطان بزرگ" و پی آمدهای آن درساخت قدرت و ترک خوردن هویت رژیم و یا رابطه مسائل زیست محیطی با انرژی هسته ای و توسل به دیپلماسی پنهان و پشت پرده تنها بخشی از آن است.*۲

*۱- فرانسه: هنوز در مرحله توافق هسته‌ای با ایران قرار نداریم:

http://www.radiofarda.com/content/fr_france_minister_iran_deal_not_far/۲۵۱۶۴۳۱۷.html

کری: مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ با حفظ تحریم‌ها ادامه خواهد یافت:

http://www.radiofarda.com/content/or_kerry_iran_nulcear_deal/۲۵۱۶۳۸۷۹.html

*۲- در این رابطه می‌توانید نگاهی به دو نوشته زیرداشته باشید: مقاله رمزگشایی از یک عبارت دوپهلوی:

http://taghi-roozbeh.blogspot.de/۲۰۱۳/۰۹/blog-post_۲۵.html#more

معضل واقعی چیست؟

http://taghi-roozbeh.blogspot.de/۲۰۱۳/۱۰/blog-post_۱۲.html#more